

معماری و شهرسازی اسلامی در "فرم" یا در "معنا"

رحیم هاشم پور^۱

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین

Ra_Hashempour@yahoo.Fr / Ra_Hashempour@ikiu.ac.ir

چکیده

همواره در خصوص معماری و شهرسازی اسلامی سخنها رفته و مطالب زیادی نگاشته شده است ولیکن هنوز که هنوز است نمی توان فضایی را به مفهوم و شکل واقعی آمیخته با مبانی اساسی اسلامی به جهانیان ارائه دهیم. گاهی به تفاوت شکلی فضا با مبانی فضای اسلامی بر می خوریم و گاهی به تفاوت مفهومی فضا با مبانی اسلامی. در هر دو صورت اشکال کار در عدم درک صحیح از فضای اسلامی در شهر و معماری اسلامی می باشد. هیچگاه از خود پرسیده ایم اولین مکان ساخته شده با تفک و نفی اسلامی کجاست و کدام است؟ آیا تا بحال از خود پرسیده ایم که شهراسلامی در کالبد تعریف می شود یا در حق.ق شهروندی؟ آیا کالبد شهراسلامی از ۱۴۰۰ سال تا به امروز براساس فرهنگ مردم شهر شکل گرفته است یا براساس اعتقادات اسلامی؟ و اگر جواب اعتقادات اسلامی است پس چرا امروزه هیچکدام از این شهر مورد تأیید صد در صد علمای بزرگ اسلام نیستند؟ آیا اینطور نیست که شهراسلامی در تمامی ابعادش مورد نقد و بررسی با ید قرار گیرد؟ در واقع معماری و شهرسازی اسلامی چیزی بجز مفهوم و معنا نیست و شکل و فرم در صورت ایجاد "مفهوم" و "معنا" در آن فضا "شکل" و "فرم" اسلامی پیدا کرده و به فضای اسلامی تبدیل میگردند. اگر به تاریخ احداث بناهای مساجد قدیمی مثل اردستان، مسجد جامع اصفهان، مجامع یزد و... و تاریخ ظهور اسلام و اگر به خیلی دور تر برویم ساخت کعبه مکرمه بدست حضرت ابراهیم خلیل الل... در این پژوهش سعی در باز کردن مفاهیم و انتظارات مورد نظر اسلام از معماری و شهرسازی و همینطور مشخص کردن عناصر شاخص فضاهای اسلامی می باشد.

واژه گان کلیدی: شهرسازی و معماری اسلامی، فضای اسلامی، کعبه، قران، حضرت محمد(ص)، حضرت ابراهیم خلیل الله .

مقدمه

معماری و شهرسازی اسلامی از جمله معماریهایی است که بر اساس فرهنگ و تمدن مذهبی بنا شده است. این نوع معماری و شهرسازی در کشورهایی پیدا می شود که تاثیر پذیری قابل توجهی از ایدئولوژی اسلامی در طول سالهای متمادی داشته و بر اساس همین ایدئولوژی فرهنگ خود را بنا کرده اند. از آن جمله می توان کشورهای آسیای میانه و قفقاز، ایران، عراق، ترکیه، سوریه، مصر، تونس، الجزایر، مراکش (مغرب)، هند و افغانستان را نام برد. البته نباید فراموش کرد که کستره زمانی این کشورها برابر نیست برای مثال چنین نقشی برای کشور مصر از تاریخ ۹۲۴ قمری رقم زده شد (هیلن براند، رابرت، ۱۳۷۷).

هنر اسلامی با روی کار آمدن امویان در سال ۴۱ ه.ق. و با انتقال خلافت امویان از مدینه به دمشق، آغاز شد. این انتقال، هنر اسلامی ترکیبی از هنر سرزمینهای همسایه بویژه ایران گردید.

اولین هنر معماری اسلامی در ایران را می توان در شرق کشور، در منطقه خراسان پیدا کرد. این شیوه را شیوه "خراسانی شبستانی" نامیدند و در اوائل قرن اول ه.ق. در همان ابتدای پذیرش دین مبین اسلام توسط ایرانیان، مشاهده می کنیم. این شیوه را می توان اولین شیوه "معماری اسلامی" در

^۱ شماره تماس: ۰۲۶ ۳۲۵۰۶۱۴۷

ایران نام نهاد. این حرکت تا دوره های "آل بویه" و "دیلیمیان" (قرن چهارم ه.ق) ادامه پیدا کردند. در این شیوه، نقشه مساجد از صدر اسلام الهام گرفت و مساجد به صورت شبستانی (چهل ستونی) بنا گشتند. به طور کلی، معماری در این شیوه بسیار ساده و خالی از هرگونه تکلف است و مصالحی که در این بناها به کار رفته ساده و ارزان قیمت می باشد. از مساجد این شیوه می توان به «مسجد جامع فهرج یزد»، «مسجد تاریخانه دامغان»، «مسجد جامع نائین»، «مسجد جامع نیریز» و «بنای اولیه مسجد جامع اصفهان» اشاره کرد.

در نیمه اول قرن پنجم ه. ق، با تأسیس سلسله سلجوقیان، درخشان ترین دوره هنر اسلامی در ایران آغاز گردید. در این دوره، شاهد اوج شیوه‌ای از معماری به نام «رازی» هستیم که از زمان سلسله «آل زیار» در شهر ری آغاز و تا حمله «مغولان» ادامه پیدا کرد. در این شیوه بود که معماران از انواع «نقوش شکسته» و «گره سازی» با آجر و کاشی استفاده کردند و همچنین در طرح هایشان از طرح چهار ایوانی و قراردادن گنبد بر مقاطع مربع، بهره بسیار بردند. آثار معماری در این دوره، از بنیاد با «مصالح مرغوب» بنا شدند. مساجد معروفی چون «مسجد برسیان» در نزدیکی اصفهان، «مسجد جامع اردستان»، «مسجد جامع کبیر قرین» و «مسجد جامع اصفهان» که بر روی شالوده‌های دوران «آل بویه» بنا گردید، از نمون‌های این شیوه به شمار می‌روند.

در شهرهای اسلامی حمامها در گذرگاههای اصلی شهر، راسته بازارها و کاخهای حکومتی طوری ساخته می شد که برای تأمین آب بهداشتی و خروج فاضلاب مشکلی پیش نیاید. شاید بتوان گفت حمامها پس از مسجد و مدرسه یکی از مهمترین بناهای شهری محسوب می شدند. فضای اصلی هر حمام، شامل بینه، میان در و گرمخانه بود. به این ترتیب که هر یک از فضاهای فوق به وسیله راهرو و هشتی از فضای دیگر جدا می شد تا دما و رطوبت هر فضا نسبت به فضای مجاور تنظیم شود. کف حمامها از سنگ مرمر و دیگر سنگها پوشیده شده بود، ازاره حمام با سنگ و کاشی تزیین می شد. از جمله تزیینات داخلی حمامها آهکبری به صورت ساده و رنگی بوده است (مانند حمام گنجعلیخان کرمان، کردشت میانه و خسرو آقا اصفهان).

در طی قرنهای هفتم تا دهم ه. ق و با اتفاقاتی همچون حمله مغولان، خیلی از کشورهای اسلامی از جمله ایران به وضع بسیار بدی درآمدند ولی با روی کار آمدن ایلخانیان مغولان فرهنگ و سنتهای کشورهای شکست خورده را پذیرفتند و یکی از حامیان هنر و هنرمندان اسلامی شدند. در این دوره، شیوه‌ای به نام «آذری» رواج یافت که تا دو سه «صفویه» ادامه پیدا کرد و شهرهایی چون «تبریز»، «بغداد»، «سلطانیه» و «اصفهان» مراکز هنر و هنرمندان گشتند و بناهای مذهبی و غیرمذهبی متعددی در این شهرها ایجاد شدند. در قرن هشتم تیمور شهرهای ایران را به آتش کشید و باز هنر ایرانیان در شهرهای سمرقند و بخارا شکل گرفت.

در اوایل قرن هفتم ه. ق، با هجوم مغولان، بسیاری از کشورهای اسلامی از جمله ایران به ویرانی کشیده شدند، اما چندی نگذشت که با تأسیس سلسله ایلخانیان، از بناهای معروف دوران ایلخانی و تیموری، می توان به مسجد گوهرشاد، مسجد جامع ورامین، قسمت اعظم بناهای حرم رضا، مسجد کبود تبریز (معروف به فیروزه ی اسلام)، مسجد جامع یزد و... اشاره کرد.

با روی کار آمدن صفویان در اوایل قرن دهم ه. ق، شهرهایی چون «تبریز»، «قزوین» و «اصفهان» به مراکز هنری ایران تبدیل شدند. در این دوره، شاهد اوج هنر معماری ایران می‌باشیم که توسط پادشاهان مقتدر و هنردوست آن دوره یعنی «شاه تهماسب» و «شاه عباس اول» به وجود آمد. در این دوران البته، اندکی قبل از دوره صفوی یعنی از زمان قراقویونلوها، شیوه‌ای دیگر در معماری ایران به وجود آمد که به «شیوه اصفهانی» معروف گردید. در این شیوه، نقشه‌ها و طرحهای ساختمانی رو به سادگی نهاد و استفاده از کاشی‌های خشتی و هفت رنگ به جای کاشی معرق رواج یافت. مساجدی چون «شیخ لطف...» و «مسجد امام» در اصفهان، از شگفتی‌های معماری این دوران به شمار می‌آیند. در دوران زند و افشار، بتدریج شاه د افول معماری ایرانی می‌باشیم، به طوری که این رکود و افول در دوره قاجار به اوج خود می‌رسد. با وجود این رکود، باز هم شاهد ایجاد بناهایی چون «مسجد امام تهران»، «مسجد و مدرسه شهید مطهری (سپهسالار)» و «مسجد و مدرسه آقابزرگ» در کاشان و... می‌باشیم (مارتن. هانری، ۱۳۷۵)

ورود دیدگاههای ملیت در اسلام

همانطوری که در تاریخ گذشته ایران بطور مختصر به روند حضور معماری و شهرسازی اسلامی اشاره شدف این شیوه در جهان اسلام تبدیل به مکاتبی متفاوت شد که هرکدام بنا به اصالت معماری و شهرسازی خود به آن توجه داشتند. مارتن هانری برای مشخص کردن این شیوه‌ها به مشخص کردن مکاتب و سبکهای بوجود آمد پرداخته و پنج مکتب حاصل از این تغییر تحولات را بدین شهر دسته بندی می کند:

۲- مکتب مغرب: تونس، الجزایر، مراکش و اسپانیا

۳- مکتب ایرانی: ایران، عراق، آسیای میانه، افغانستان و بخشی از پاکستان

۴- مکتب عثمانی: ترکیه و آناتولی

۵- مکتب هند

برای باز شناسی این سبکها می توان به اماکن مشخصی که امروزه هم اثار آن باقیست مراجعه کرد. از آنجمله می توان اماکنی چون: مسجد، آرامگاه (اماکن متبرکه)، مدرسه، بازار، کاخ و کاروانسرا مراجعه کرد.

برنامه ریزی شهرهای اسلامی

در اوائل قرن بیستم اوضاع بسیاری از شهرها به علت پدیده صنعتی نیاز به برنامه ریزی و طراحی داشتند. ایده های بسیاری در زمینه بهبود اوضاع زیست محیطی شهرها و هماهنگی بهیه بافت آنها با پدیده های جدید چه در زمینه برنامه ریزی و چه در طراحی شهری توسط علاقه مندان و طراحان و برنامه ریزان شهری ارائه شد. مبانی واحدهای همسایگی از جمله ایده هایی بود که توسط افرادی چون کلارانس پری در آمریکا در حل مشکل سرریز جمعیت شهرها چه به صورت متصل (گسترش شهرهای موجود) و چه به صورت منفصل (در شهرهای جدید) به طور گسترده ای نه تنها در غرب و شرق بلکه در سرزمینهای اسلامی مورد استفاده قرار گرفت. در حالی که در کشورهای اسلامی نه تنها بر اساس نیازهای فیزیکی که بیشتر ایده طراحی واحد همسایگی مد نظر بود، بلکه در زمینه مسائل فرهنگی، مذهبی و اجتماعی نیز تجربه طراحی و ساخت محلات مسکونی برخوردار بودند. تجربه تبلور یافته از فرهنگ غنی اسلامی متاسفانه در دوران معاصر خصوصاً عصر قبل از انقلاب اسلامی مورد توجه قرار نگرفت و به دلیل استفاده از مشاوران غربی در امر برنامه ریزی شهری بیشتر به ایده واحدهای همسایگی در غرب و ابعاد فیزیکی توسعه و طراحی پرداخته شد (پور جعفر، ۱۳۷۶).

از جمله شهرهایی که از تفکر و مبانی برنامه ریزی و طراحی اسلامی تاثیر پذیر بودندف مدینه النبی بود که بدلیل حضور پیامبر اکرم (ص) به عنوان شهر اسلامی شناخته شد. پس از آن مکه و کوفه بود که تحت تاثیر فرهنگ اسلامی قرار گرفت. در سال ۱۳۳ هجری شهر بغداد پایتخت ساسانی بود و معماری اسلامی با الهام از شیوه های هنر ساسانی رواج پیدا کرد. در اوایل قرن هفتم هم پس از حمله مغولان و ویرانی شهرها، مجدداً فرهنگ اسلامی در شهرهای ایران جای خود را گرفت و شهرهایی چون سلطانیه و تبریز از نظر شهرسازی از اهمیت ویژه ای برخوردار شدند.

بطور کلی شهرهای اسلامی را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

شهرهای قرون نخست اسلامی، مربوط به دوره ساسانی و غزنوی

شهرهای دوره میانی در دوران سلجوقی و ایلخانی و تیموری

در واقع باید اقرار کنیم در محلات اسلامی ارتباطات و روابط اجتماعی بسیار قوی و غنی هستند. با توجه به سلسه مراتبی هم در ایجاد شهرهای اسلامی به محوریت مسجد صورت می گیرد، عملاً با نقش محوریت و تمرکز مسجد و اجتماع مردم در اکثر مواقع، بخصوص نماز جماعت روزهای جمعه، این مکان نقش تعیت کننده ای را بازی می کند.

در اینجا به نقش و جایگاه مسجد اشاره شد ولیکن انتظار ما از "فرم" مکان محوریت که در این بحث همان مسجد می باشد چگونه فرمی می تواند باشد؟ در واقع در این بحث و در بحث برنامه ریزی شهر محلات اسلامی و یا شهرهای اسلامی، هدف ایجاد روابط اجتماعی آن فضاهاست و نه شکل هندسی و یا کالبد خاص آن. "فضاهای درون بخش مسکونی باید به ارتباط بین افراد جامعه، بهبود روابط انسانی، به زبان ساده به ملاقات ها و به درد دل یکدیگر رسیدن ها کمک کند. این در حالی است که: در بسیاری از بخشهای مسکونی شهرهای کنونی انگار همه فضاها برای از نقطه ای به نقطه دیگر رفتن است (پور جعفر، ۱۳۷۶). مکتب اصفهان یکی از مکاتب مطرح و مهم دوران اسلامی است که در زمان صفویه به اوج خود می رسد. این مکتب در زمان بزرگانی چون "میرفندرسکی، میرداماد، شیخ بهایی و چند تن دیگر آغاز و با آرای ملاصدرای شیرازی در تمام عرصه های هنر از نقاشی و خط تا معماری و شهرسازی از این عقاید متأثر می شوند. این مکتب برگرفته از "فلسفه" و "حکمت" بوده و فقط بلحاظ مکانی به مکتب اصفهان خوانده می شود ولیکن تا سرزمینهای همجوار هند را تحت نفوذ خود قرارداده و تا آخرین آثار قاجاریه هم می توان تاثیرات او را مشاهده کرد. در مکتب اصفهان که یک بحث کاملاً فلسفی و حکمت می باشد، معماری و شهرسازی دوران صفویه متأثر از این مکتب و ریشه در مبانی نظری این مکتب پیدا می کند.

کالبد در اسلام

کالبد و یا بقولی "فرم حجمی" بنا در اسلام بطور واضح مشخص نشده است. اما در "معنا" و "مفهوم" بنا تاکید بسیاری شده است. مانند مکانی بنام "مسجد" تا در آنجا انسان به خداوند نزدیک شود و تزکیه روح پیدا کند. کالبد یک بنا در ارتباط با معنا و مفهوم آن تعریف شده و معنا دار می شود. مسجد در شکل نهایی خود مناسبترین فضا برای خود شناسی و جامعه سازی می باشد. در آنجا که اسلام انسان را بصورت فطری و استعدادهای او را به صورت جامع و کامل معرفی میکند. "بنابراین مفاهیم مطرح شده در این مکتب همه انسانها را در بر می گیرد و فرا تاریخی و فرا جغرافیایی و در یک کلام انسانی است" (نقره کار، ۱۳۷۶). در رابطه با ارزشها و اصالتهای شهرسازی باید به این نکته اشاره شود که این ارزشها و اصالتها از سیر متعالی انسان ابر گرفته می شود. و در اسلام این ارزش و اصالت از سیر بطرف باری تعالی می باشد، چرا که او (انسان) جانشین خدا در روی زمین است. در عین حال ارزش و اصالت فطری بوده و دائمی و غیر وابسته به زمان، مکان و تاریخ و جغرافیا. کالبدها از آنجا که مادی هستند، وابسته به زمان و مکان اند و فقط به صورت متشابه، رمزی، آیه ای و تمثیلی می توانند برای انسان اندیشمند و دل آگاه معنایی پیدا کنند. کالبدها به صورت نسبی می تواند معنا و مفهومی را تداعی کنند و در مجموع حداکثر، زمینه و وسیله ای متناسب برای سیر و سیورورت متعالی انسان باشد (حداکثر در حد لباس مناسب) و جنبه اعتباری دارند. هر مفهومی و هر ارزشی نظیر مفهوم زیبایی می تواند در بی نهایت شکل ها و کالبدهای متفاوت به صورت نسبی و تمثیلی متجلی شود و نو آوری و خلاقیت و ابداع در این بعد آنها ندارد. به خصوص با توجه به جمیع شرایط زمان و مکان. بنابر این هر مفهوم ثابتی می تواند در بینهایت از کالبدها و اشکال خلاقانه، حکیمانه و بدیع شهور یابد و تجلی کند (نقره کار، ۱۳۷۶).

کعبه نهایت معماری اسلامی

درباره خانه کعبه

این خانه که نام دیگرش بیت الله الحرام است، تاریخچه بسیار مفصلی دارد که مطابق روایات^۲ به زمان حضرت آدم (علیه السلام) برمی گردد. او نخستین کسی بود که خانه را بنا کرد و بر گرد آن طواف نمود، سپس در طوفان نوح ویران شد، و ابراهیم به کمک فرزندش اسماعیل، طبق آیات صریح قرآن بار دیگر آن را بنا کرد و حج خانه خدا به جا آورد و این اولین خانه توحید است که برای انسانها قرار داده شد: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا»^۳. «طبق روایات در محاذی آن در آسمانها مرکز عبادتی است که فرشتگان بر گرد آن می گردند، حتی گفته شده که محلّ خانه کعبه اولین نقطه خشکی بود که سر از زیر آب درآورد^۴ و داستان «دحو الارض» نیز اشاره به همین معناست که در آغاز، مجموعه روی زمین بر اثر بارانهای سیلابی زیر آب بود؛ آنها کم کم در مناطق پایین تر جای گرفتند و خشکیها از زیر آب سر برآوردند و اولین نقطه، همین محلّ خانه کعبه بود.

عظمت خانه کعبه

درباره عظمت و اهمیت خانه کعبه روایات فراوان - چه در نهج البلاغه و غیر نهج البلاغه - وارد شده است، از جمله در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) می خوانیم: «ما خَلَقَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بَقْعَةً فِي الْأَرْضِ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْهَا - ثُمَّ أَوْمَأَ بِيَدِهِ نَحْوَ الْكَعْبَةِ - وَ لَا أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْهَا»؛ (خداوند هیچ نقطه ای در زمین را نیافریده که محبوب تر به سوی او از آن باشد - سپس با دست خود به سوی کعبه اشاره کرد - و نه هیچ نقطه ای نزد خداوند گرامی تر از آن است. در آغاز همین حدیث آمده است: «إِنَّ النَّظَرَ إِلَيْهَا عِبَادَةٌ»؛ (حتی نگاه کردن به آن عبادت است)^۵. خانه کعبه، رمز وحدت مسلمین و مرکز دایره صفوف جماعات آنها در شبانه روز، در کلّ جهان است.

خانه کعبه، بزرگترین مرکز اجتماع مسلمین در طول سال و مهمترین کانون عظمت آنهاست که از سراسر جهان به سوی آن می آیند و مشمول برکات فوق العاده معنوی و مادی آن می شوند.

۲- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۸۶

۳- سوره آل عمران، آیه ۹۶

۴- شرح نهج البلاغه خویی، ج ۲، ص ۲۳۵

۵- فروع کافی، ج ۴، ص ۲۴۰

تاریخ و بنای کعبه

خانه کعبه که طراح آن خداوند و مجری آن پیامبران بوده اند، از اولین بناهایست که با دست پیامبران و با اذن خداوند متعال بنا شده است. این بنا که چهار بار بکلی تخریب و مجدداً بازسازی می شود ولیکن از نظر فرمی تغییر شکل پیدا نمی کند و بازهمان شکل "مکعبی" خود را حفظ می نماید. عمده اطلاعات ما در مورد کعبه منابع نویسندگان اسلامی است. فارغ از روایات و منابع اسلامی، گزارش و سند تاریخی چندانی مربوط به پیش از اسلام در مورد این بنا در دست نیست.

بنیانهای ساختمان کعبه

درفران کریم در مورد کعبه گفته شده است: «إِنَّ أَوْلَ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَيَّكَةً مَبْرُكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ» (آل عمران) بنابر گفتار تاریخ‌نگار اسلامی، آزرقی، ساختمان کعبه ۱۰ بار بنیان شده است. به این ترتیب:

- ۱- بنیان الملائکه
- ۲- بنیان آدم
- ۳- بنیان شیث
- ۴- بنیان ابراهیم و پسرش اسماعیل
- ۵- بنیان العمالقه
- ۶- بنیان جرهم
- ۷- بنیان مضر
- ۸- بنیان قریش
- ۹- بنیان عبدالله ابن زبیر
- ۱۰- بنیان حجاج ابن یوسف الثقفی

این سازه تا پیش از گشودن شهر مکه به دست محمد و پیروانش، محل نگهداری و پرستش بتها بوده است. قبیله قریش در اطراف کعبه بت‌های مختلفی قرار داده بودند، مانند: لات، عزی، اسافه، نائله، منات و ... بزرگ این بت‌ها هبل بود.

در دوره بعد از اسلام کعبه چهار بار به کلی ویران شده و از نو بنا شده است. دو بار اول به سده اول هجری بر می گردد. در جریان جنگ‌هایی که بین امویان و عبدالله بن زبیر فرماندار وقت مکه صورت می گرفت کعبه دو بار ویران شد. بار اول آتش گرفت و بار دوم توسط سپاهیان حجاج بن یوسف با منجنیق سنگ باران شد. سومین تخریب مکه به ۹۳۰ میلادی بر می گردد که طایفه قرامطه - که از شیعیان اسماعیلی بودند- به مکه حمله کردند و حجاج را قتل عام کردند و چاه زمزم را با جنازه‌های کشتگان پر کردند. آنان حجرالاسود را ربودند و با خود به شهر احسا - در شرق عربستان- بردند. تخریب چهارم کعبه در نتیجه سیلی بود که در سال ۱۶۲۹ میلادی رخ داد. پس از آن سلطان مراد چهارم ساختمان کعبه را با سنگ‌های گرانیتی از نو بنا کرد که این ساختمان تا عصر حاضر به جا مانده است.

ساختمان کنونی کعبه از زمان حجاج بن یوسف ثقفی و بازسازی همان ساختمان در دوران خلافت سلطان مراد چهارم از پادشاهان عثمانی است که در سال ۱۰۴۰ قمری در اثر سیل در مسجد الحرام و تخریب آن، از نو بازسازی گردید. این ساختمان استحکام کامل دارد، بطوری که تاکنون به‌همین شکل پابرجا و استوار مانده است.^۶

مشخصات هندسی خانه کعبه

کعبه روی یک قاعده ۲۵ سانتی متری از جنس سنگ مرمر بنا شده که به اندازه ۳۵ سانتی متر جلوامدگی دارد. ارتفاع آن حدود ۱۳ متر، با طول و عرض ۱۲ ۸۶ در ۱۱ ۳ متر است. در بعضی منابع جزئیات اضلاع کعبه به این شکل بیان شده است

- طول ضلع در کعبه، یعنی از رکن حجر اسود تا رکن عراقی: ۱۱ ۶۸ متر

⁶ Creative Commons Attribution/Share-Alike.htm://Firefox HTML,Document

- طول رکن عراقی تا شامی، سمتی که حجر اسماعیل در آن قرار دارد: ۹۹۰ متر
- طول رکن شامی تا رکن یمانی: ۱۲۰۴ متر
- طول رکن یمانی تا رکن اسود: ۱۰۱۸ متر

چرا خانه کعبه مکعب ساخته شد؟

این سئوالیست که هیچگاه دغدغه زائر و یا مسلمانی که سالها بطرف او نماز خوانده است نبوده و حتی در خیلی از مواقع به ذهن انسان نیز خطور نمی کند. آیا سادگی و صلابت ساختمان کعبه است؟ آیا ترس از غضب خداوندی می باشد؟ آیا انرژی مثبتی است که از آن به انسان مسلمان هدایت می شود؟ در واقع آیا هیچوقت از خود پرسیده ایم که چرا پیامبران ما بعد از چهار بار تجدید بنا فرم دیگری را بنا نکردند؟ و چرا از همان ابتدا حضرت ابراهیم (ع) فرم دیگری را برای خانه خدا انتخاب نکرد؟ و آیا هرگز از خود پرسیده ایم که آیا معماری اسلامی واقعی می تواند همین شکل مکعبی باشد؟ ما در گذشته اتشکده های باقیمانده را به مسجد و خانه خدا تبدیل کردیم. هر بنای ساده ای را که مجهز به کعبه و مناره نبود در خور شخصیت مسجد و یا مکان اسلامی ندانستیم در حالی که خانه خدا یک مکعب بی غل و غش و ساده به تمامی معنا قبله گاه مسلمانان جهان با تاثیر بسیار زیاد بر تعادل و آرامش انسان می باشد.

چهار ضلعش بر چهار وجه انسان منطبق شده و در او ایجاد سکون می کند و بر برآیند محورها و قطرهای آن نیز به صفر می رسد و هیچ گونه جاذبه حرکت ایجاد نمی کند و می تواند انسان را در کانون فضا کاملا آرام نگه دارد (نقره کار، ۱۳۷۶).

در معماری نیز حجم مکعب و پلان مربع، از هندسه های خالص بشمار می آیند. مربع از جمله اشکال هندسی منظمی است که در ایجاد یک فضای تعادل می تواند بهترین طرح و نقشه معماری را ایجاد نماید. در معماری اسلامی که امروزه کعبه یک فضای اصلی و نشانه فضای اسلامی می باشد بر مبنای یک طرح هندسی مربع شکل بنا می گردد. مبنای یک نیکره باز هم یک مربع قرار می گیرد. در دوره ساسانی نیز تقریباً تمامی اذر کده ها بر مبنای یک مکعب ساخته و کعبه را بر روی آنها بنا کرده اند: مصلاهی یزد، حیدریه قزوین، نیاسر (کاشان)، فیروزآباد، اتشکوه (دلیجان)، بازه هور (مشهد).

تعالی و یگانگی در فضای اسلامی

در جهن بینی اسلامی تمامی تلاش بر سوق دادن انسان بسوی احد واحد بوده و شکل و فرم فضا وسیله ایست برای نزدیک شدن به اوست (ذات الهی). در ملاحظاتی فطری طبیعی، ادبی را از "خود" و "خودی خود" جهشی همراه با "نگرش" و با "عاطفه و رابطه" به سوی عالم و آدمیان، و رویدادهای دنیای زندگان می بخشد که در همان "عاطفه و رابطه" خیر طلبی و جمال خواهی، بیش از همه مقصد و مقصود هستند. حاصل آن هنر، سعادت فرد و جامعه انسانی خواهد بود (ذوالفقارزاده، ۱۳۷۹). در واقع هنر در اسلام در راستای تعالی تعریف می شود و این انسان است که با بهره گیری از عقلانیت و منطق خود آن را به شکا و یا فرم تبدیل می کند. اگر بخواهیم در گفتارمان وضوح بیشتری داشته باشیم، باید اینطور عنوان کنیم که هر فضای معماری و یا شهری، در هر مکانی؛ در اروپا و یا در آسیا و در هر زمانی؛ در گذشته، حال و یا آینده، می تواند فضای اسلامی باشد مشروط بر اینکه در آن فضا انسان به تعالی، آرامش، نگرش اجتماعی و کرامت والای انسانی برسد.

هنر اسلامی تماماً قانونمندی، وضوح، سلسله مراتب و فرم بلورین است. هنر اسلامی دراصل توحید، یعنی تسلیم در برابر یگانگی خدا، و شهود آن حاصل می شود. جوهر توحید در ورای کلمات قرار دارد و خود را در قرآن به واسطه بارقه های گوناگونی و منقطع متجلی می سازد. این بارقه ها در ساخت تخیل بصری در صورت بلورین تبلور می یابد، و این صورت هستند که به نوبه خود جوهر هنر اسلامی را پدید می آورند (همان).

با توجه به اینکه معماری و شهرسازی از ارکان هنر محسوب می شوند و نگاه اسلام به هنر اسلامی در خدمت مردم بودن آن هنر است، نقوش، اشکال و رنگها در معماری و شهرسازی نشانه بارزی برای القای معانی پنهان هستند و مخاطب از طریق حضور در این فضاها ره درک مستقیم آن معانی دست می یابد. لذا نقوش، اشکال و فرمهایی که امروزه به نام اسلام مطرح می شوند حامل معنایی می شوند که در "معانی" و "مبانی نظری" اسلام تعریف شده است. اسلام در واقع دعوت به یک عقیده و دعوت به یک اندیشه است، از این رو قرآن کریم همواره دعوت به تعقل و اندیشیدن می کند و از اصل تقلید در اندیشه و عقیده پرهیز می دهد (آصفی، ایمانی، ۱۳۹۱). با توجه به داشتن معیارهای قوی و مبانی نظری انسانگرا، می توان به اشکال و احجام برگرفته از اندیشه اسلامی دست یافت. معماری و شهرسازی اسلامی روابط اجتماعی وحدت بخش و امن تعریف می شود، در حالی که قبل از اسلام جامعه فرهنگی که در مدینه رواج داشت؛ فرهنگ جهالت، تعصب مفرط، کثرت و قبيله گرای حاکم بود. پس از حضور پیامبر اکرم (ص)، شرایط فرهنگی شهر

مدینه دگرگون شد و برای از بین بردن اختلافات بنیادین بین طوایف و قبائل گوناگون، توجه خاصی را به آنها مبذول داشت. راهکارهای پیامبر جهت دستیابی به فرهنگ اسلامی ناب در شهر مدینه بود (عطایی همدانی، حمزه نژاد، نقره کار، ۱۳۹۰).

وضع موجود پیش از اسلام	مبانی محیطی (طبیعی)	موضوع شناسی زمین	کوه ها و دره ها
		جغرافیای گیاهی و منابع آبی	نخلستان ها، چاه ها و وادی ها
			روستاها، بازارها، اطم ها، سقیفه ها، مکتب خانه ها
	گونه شناسی فرهنگی و اجتماعی	اعراب اولیه، یهودیان و مشرکان (اوس و خزرج)	



مبانی اسلام	مبانی نظری	قرآن و حدیث
	سنت عملی	سیره نبوی

عوامل موثر بر مکانیابی مسجد در شهر مدینه، که در این جدول می توان مبانی نظری اسلام را در شهر نیز ترسیم کرد (همان).

نتیجه گیری

در باره اندیشه اسلامی در فضاهای معماری و شهرسازی بسیار می توان نوشت. ولی آن چیزی که امروز جامعه اسلامی را بخود مشغول داشته است "فرم" و "شکل" در آثار اسلامی می باشد. در آثار و بناهای نسبت داده شده به اسلام و یا فضاهای اسلامی، همواره به فرم بیشتر تاکید می شود تا به معنا و اثرگذاری آن بر انسان. در حالی که در مبانی نظری اسلامی همیشه محتوی و معنایی یک فضا مد نظر می باشد. در قرآن کریم و یا در نهج البلاغه و یا حتی در احادیث نبوی، اشاره به شکل و فرم فضا نمی شود بلکه به تاثیر گذاری، امنیت، انسان ساز و جامعه ساز بودن فضاها تاکید گردیده است. در آثار اسلامی که قرآن کریم و نهج البلاغه در راس آنها قرا می گیرند، هدف از ایجاد شهر و خانه را، پناهگاهی امن و فضایی مطمئن در ایجاد آرامش و نظم اجتماعی قلمداد می کند. در مقابل مخالفت و دشمنی با شهرهایی که فساد اجتماعی در آنها بیداد می کند، خداوند را خشمگین و آنها را تهدید به تخریب و واژگونی می نماید: چه شهرها و آبادیهای بسیاری را به سبب تجاوز و گناهان اهلش نابود کردیم... (الاعراف، ۴)، هیچ پیامبری را به شهر و دیاری نفرستادیم مگر آنکه مردمش را به سختی ها گرفتار کردیم ۷ تا بسوی خدا بیایند و به درگاهش تضرع و زاری کنند (الاعراف، ۹۴). و چه بسیار مردمانی را بخاطر ظلمشان نابود کردیم و بجایشان اقوام دیگری نشانیدیم (النبیاء، ۱۱). و چندین آیه دیگر که بطور مداوم انسان را به کناره گیری از بزه کاری و ظلم و ستم و ایجاد نا امنی در شهرها هشدار داده و به کیفیت زندگی بهتر نه ساختمان و یا شهری با شکل و فرمی آنچنانی تشویق کرده است. اگر بخواهیم بطور کلی منظور قرآن کریم را از معماری و شهرهای امروز در یک جمله خلاصه نمائیم، باید چنین بیان کنیم که: شهر اسلامی و یا معماری و شهرسازی اسلامی در حقیقت معنا نهفته شده و شکل و فرم می تواند برگرفته از این معانی الهی باشد، ولیکن الزامی در شکل و فرم نیست اگر "معنا" و "مفهوم" اسلام در فضا تنیده شود.

منابع

- ۱- هوگ، ج، مارتن. هانری، ۱۳۷۵، سبک شناسی معماری در سرزمینهای اسلامی، ترجمه پرویز ورجاوند.
- ۲- هیلن براند، رابرت، ۱۳۷۷، معماری اسلامی، ترجمه ایرج اعتصام.

^۷ - در اینجا منظور مترجم، بصورت ترجمه تحت الفظی آمده است. در واقع خداوند متعال کسی را به عذاب و گرفتاری نمی اندازد مگر اینکه خود او تمایل به چنین کار داشته باشد.

- ۳- پور جعفر محمد رضا، ۱۳۷۶، تحلیلی پیرامون واحدهای همسایگی در غرب و محله ها در شهرهای اسلامی، کنفرانس شهرها و مردم، دانشگاه تبریز.
- ۴- پور جعفر محمد رضا، ۱۳۷۶، نقش و جایگاه مسجد در برنامه ریزی و طراحی محله های شهرهای اسلامی، همایش معماری مساجد؛ گذشته، حال، آینده، دانشگاه هنر، ۱۳۷۶.
- ۵- عطایی همدانی م. حمزه نژاد م. نقره کار ع. ، ۱۳۹۰، بررسی و الگو شناسی مکان یابی مساجد عصر نبوی در مدینه، نشریه علمی-پژوهشی باغ نظر، تندیس نقره ای.
- ۶- نقره کار محمد رضا، ۱۳۷۶، معماری مسجد از مفهوم تا کالبد، همایش معماری مساجد؛ گذشته، حال، آینده، دانشگاه هنر، ۱۳۷۶.
- ۷- ذوالفقارزاده حسن، ۱۳۷۹، روح و وحدت، همایش بین المللی معماری مساجد- افق آینده، دانشگاه هنر، ۱۳۷۹.
- ۸- آصفی مازیار-ایمانی الناز، ۱۳۹۱، چالشهای فناوری های نوین در معماری و تعامل آن با ارزش های معماری اسلامی ایران، نشریه علمی-پژوهشی باغ نظر، تندیس نقره ای.

